

## عنوان مقاله:

معماری احیاءکننده در ارتقای کیفیت مسکن و بافت فرسوده در ایران

## محل انتشار:

فصلنامه توسعه پایدار شهری، دوره 3، شماره 9 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

## نویسندگان:

امیرپژمان درویش - گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بهروز منصوری - گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مهداد جاویدی نژاد - گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

## خلاصه مقاله:

بافت فرسوده یکی از معضلات اصلی کلانشهرهای ایران است که بیشترین نمود آن در شهر تهران است. مطالعات صورت گرفته پیرامون زلزله احتمالی شهر تهران حاکی از آن است که این بلای طبیعی یک فاجعه انسانی بزرگ برای تهران خواهد بود. این موضوع از زمانی به بعد تصمیماتی عاجل را می طلبد که هرچه سریعتر این بافت نوسازی شود اما به نظر می رسد تعجیل در تصمیم سبب شد تا بسیاری از مسائل انسانی و کیفی در نظر گرفته نشود. درواقع به رویکردی کل نگر نیاز بود تا ضمن تسریع و تعجیل موارد و مولفه های متعددی را در نظر گیرد. معماری احیایی یا احیاءکننده به عنوان یک رویکرد کل نگر که از معماری پایدار مشتق شده است می تواند در ساخت و ساز در بافت فرسوده مورد استفاده قرار گیرد. معرفی و تبیین مفهوم معماری احیاءکننده به عنوان یک رویکرد کل نگر است که بتوان بر مبنای آن به عنوان یک تئوری و چارچوب مفهومی در ارزیابی میزان مطلوبیت معماری و سازگاری آن با انسان و محیط در بافت فرسوده و بهسازی شده استفاده کرد. استفاده از روش دلفی و از طریق مصاحبه و همچنین بررسی اسناد و ادبیات تحقیق؛ ۶ بعد، ۳۴ شاخص مرتبط با پژوهش استخراج و در قالب شاخص اجماع (اهمیت، قطعیت و اولویت) شاخصهایی که میتواند بر روی عدم تحقق معماری احیاءکننده در ارتقای کیفیت مسکن و بافت فرسوده تاثیر گذار باشد. شاخصهای تدوین شده بر مبنای فرآیند تحلیل سلسله مراتبی تاثیرگذاری و تاثیرپذیری (مقایسه زوجی) بر یکدیگر رتبه بندی شدند. در بخش نهایی تحقیق مبتنی بر تحلیل اکتشافی به کمک نرم افزار Micmac، در چارچوب ماتریس اثرات متقاطع تحلیل شدند. براساس نتایج پژوهش رویکرد معماری احیاءکننده به عنوان یکی از بسترهای زمینه ساز پایداری، احیاء و ارتقاء کیفیت مسکن و بافت فرسوده قادر خواهد بود تا از طریق ابعاد اثرگذار خود به این مهم دست یابد و به ترتیب ابعاد اکولوژیک؛ عملکردی؛ طراحی و کالبدی؛ اقتصادی؛ اجتماعی و فرهنگی؛ ذهنی و ادراکی، بیشترین اثر و اهمیت را دارا می باشند. مطابق نتایج اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم پیشران های کلیدی، ۳ شاخص تغییر روند معماری و بهره گیری از اصول پایداری، ارتقای عملکرد محیط، سازماندهی مناسب سلسله مراتب دارای بیشترین اثرگذاری مستقیم و ۳ پیشران انعطاف پذیری فعالیت ها و عملکردها، متعادل کردن نیازها و همزیستی رضایتمند و توسعه سرمایه گذاری دارای بیشترین اثرپذیری غیرمستقیم در فرآیند کاربست معیاری احیاءکننده در ارتقای کیفیت مسکن و بافت فرسوده در شهرهای ایران خواهند بود.

## کلمات کلیدی:

بافت فرسوده، مسکن، معماری احیاءکننده

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1639833>



